

تقابل یک‌جانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی: تحریم‌های آمریکا علیه ایران

شهرام رحمانی^۱

افشین جعفری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

چکیده

بحث «چالش‌های فراروی حاکمیت قانون در مواجهه با یک‌جانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل» که در این مقاله به روش توصیفی، تحلیلی از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، مجال سخن یافته است یکی از موضوعات مهم روابط و حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهد و قصد دارد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه کشورها و به‌خصوص ایران، چه چالش‌هایی با حقوق بین‌الملل دارد؟ و آیا این اعمال یک‌جانبه از منظر حقوق بین‌الملل معتبر و مشروع هستند؟ و همچنین از منظر حقوق توسل به زور، آیا ایالات متحده به بهانه دفاع مشروع، حق حمله به کاروان حامل سردار سلیمانی در حوالی فرودگاه بغداد را داشته است؟ داده‌ها حاکی از آن است که از سال ۲۰۰۲ مسئله تحریم ایران از سوی آمریکا و غرب به مثابه چالشی اساسی میان ایران و غرب مطرح بوده و هست. اجرای یک‌جانبه تحریم‌های آمریکا، بدون وجود مجوز قبلی شورای امنیت و خارج از سیستم امنیت جمعی منشور باعث گردیده تا مشروعیت این اقدامات از حیث انطباق آنها با موازین حقوقی بین‌المللی زیر سؤال رود و مغایر با اصل حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی نیز می‌باشد و در خصوص حرکت اخیر این کشور مبنی بر ترور فرمانده سپاه قدس ایران نیز می‌توان گفت که به موجب ماده ۵۱ منشور و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، دفاع مشروع باید در پاسخ به «حمله‌ای مسلحانه» باشد که در قضیه مورد بحث وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: ایران، آمریکا، حقوق بین‌الملل، حاکمیت قانون، یک‌جانبه‌گرایی.

۱. مربی گروه حقوق دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) rahmanishahram@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور jafariafshin@yahoo.com



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱- مقدمه:

از لحاظ تاریخی موضوع یک‌جانبه‌گرایی، یکی از سیاست‌های اساسی و زیربنایی سیاست خارجی کشور ایالات متحده آمریکا به شمار می‌آید. در این زمینه جورج واشنگتن اولین رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۷۹۶ نسبت به ائتلاف دائمی آمریکا با کشورهای دیگر هشدار می‌دهد، براساس این تفکر، آمریکا کشوری استثنایی در عرصه بین‌المللی است و این استثنائگرایی باید در تمام وجوه سیاست خارجی آن جاری باشد. اوج این یک‌جانبه‌گرایی استثنائنگار را می‌توان در دکترین مونروئه مشاهده کرد. مونروئه در سال ۱۸۲۳ بر تفاوت رویکردها و نیت آمریکا و اروپا در نیم‌کره غربی اشاره می‌کند و آمریکا را قدرت مسلط بر این نیم‌کره می‌داند. (نامدار وندایی، ۱۳۹۷: ۲) این تفکر تفوق‌طلبی باعث می‌شود که آمریکا بتواند بر سایر کشورها علو و رفعت بفروشد و توهم تمامیت‌خواهی پیدا کند. مجموعه این تفکرات و باورهای خود ساخته باعث می‌شود که کشور آمریکا به خود حق دهد که به هر نحوی شده اقدامات قهری یک‌جانبه از قبیل تحریم‌های یک‌جانبه، تهدید نظامی، ترور فرماندهان عالی رتبه، مداخله نظامی و بی‌اعتنایی به معاهدات بین‌المللی را بدون رادع و مانعی به اجرا درآورد که این اعمال قطعاً ناقض اصل حاکمیت قانون نیز می‌باشد.

به موجب ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل متحد عهده‌دار، متولی و متکفل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد و این نهاد بین‌المللی مجاز است که اگر کشوری با تجاوز، صلح جهانی را به مخاطره افکند تمهیدات تنبیهی و تحریمی را با هدف تغییر رفتار سیاسی بر علیه کشور متجاوز در نظر بگیرد. حتی خود سازمان ملل نمی‌تواند اعمالی خارج از وظایف قانونی خود که در منشور پیش‌بینی شده انجام دهد. نمونه آن‌را در ابتدای تحریم‌ها علیه ایران شاهد بودیم که متحدان آمریکا در اروپا و ژاپن، کانادا و کشورهای منطقه خلیج فارس از سیاست تحریم ایران حمایت نکردند. بنابراین مشروعیت تحریم ملزوماتی دارد که بدون ایجاد آنها هرگونه اعمال تحریمی مجاز نبوده و مغایر با حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی نیز می‌باشد. با توجه به اهمیت این موضوع ضرورت دارد که به بررسی چالش‌های فراروی حاکمیت قانون در مواجهه با یک‌جانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل و به ویژه عدم مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و جنایت بین‌المللی ترور فرمانده سپاه قدس ایران و تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس‌العام الاسلامی

۵۴

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸

۲- مشروعیت تحریم

موضوع تحریم به دلیل پیچیدگی دارای ابعاد گوناگونی از موضوعات سیاسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و فرهنگ را در خود جای داده است. آثار این مسئله بر زندگی افراد به‌خصوص افراد متوسط و ضعیف جامعه زیاد است و آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد.

«با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و سایر اسناد مربوطه که مبین اصول پذیرفته شده بین‌المللی می‌باشند، می‌توان ادعا کرد که چنانچه تحریم‌ها منجر به رنج و مشقت انسان‌ها گردند این تحریم‌ها توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل ندارند. این مسئله حتی در موردی که تحریم‌های اقتصادی توسط سازمان ملل متحد تحت توجیهات منشور سازمان از اجماعی بین‌المللی برخوردار است، قابل توجه می‌باشد.» (مافی، همایون، ۱۳۹۷: ۳۴)

گزارش تکان‌دهنده سازمان‌هایی همچون یونیسف و صلیب سرخ جهانی در خصوص به مخاطره افتادن سلامتی مردم مناطق مختلف و سوء تغذیه کودکان و زنان باردار و شیرده که در نتیجه تحریم‌های اتخاذ شده از طرف شورای امنیت و دیگر کشورهای قدرتمند و بعضاً زورگو، عمق فاجعه‌ای این‌چنین را به تصویر می‌کشد. این است که باید اندیشه‌های بشردوستانه و مراعات حقوق اساسی بشر و حفظ کرامت انسانی در مسیر جلوگیری از وارد شدن لطمات به مردم بی‌گناه تقویت شود تا کشورهای قدرتمند و متمول نتوانند به‌خاطر اغراض سیاسی مردم نیازمند و بی‌دفاع را به گروگان بگیرند.

۳- یک‌جانبه‌گرایی و نقض حاکمیت قانون

یکی از آثار استقرار حاکمیت بین‌المللی قانون، مسئولیت تابعان حقوق بین‌الملل در اجرای قواعد حقوق بین‌الملل و تقویت روحیه پاسخگویی در عرصه بین‌المللی است. با این حال به دلیل غلبه سیاست عملی بر عرصه بین‌المللی و تقدم سیاست بر حقوق و به نوعی یک‌جانبه‌گرایی، در بسیاری از موارد قواعد بین‌المللی از سوی دولت‌ها نادیده انگاشته شده‌اند. لذا در ادامه به بررسی حاکمیت قانون در دو سطح داخلی و بین‌المللی می‌پردازیم.

همان گونه که مارتین لاگین بیان داشته است، حاکمیت خود یکی از کلید واژگان عصر مدرن است و با دولت که خود نیز پدیده مدرن می‌باشد، رابطه ناگسستنی دارد.



(لاگین، ۱۳۹۳: ۱۷۶) حاکمیت نیز همانند دولت از منظرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. علی‌الاصول بحث حاکمیت از مباحث اساسی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و سایر رشته‌های حقوقی و سیاسی و حتی فلسفه اخلاق است اما جلوه مهم آن، حاکمیت قانون است.

حاکمیت در اصطلاح لاتین به معنای «برتر»^۱ است و در اصطلاح برای آن تعاریف متعددی ذکر کرده‌اند. در برداشت سنتی از حاکمیت، بیشتر با قدرت مطلق و غیرمقید مرتبط است، اما در برداشت‌های غیرسنتی قیود و شرایطی آن را محدود می‌سازد. از نظر «ژان بُدن» حاکمیت «قدرت برتر بدون محدودیت قانونی دولت بر شهروندان و اتباع» است. گروسیوس نیز معتقد است «حاکمیت قدرت سیاسی برتری است» که به شخصی واگذار شده که اقداماتش تابع شخص دیگری نیست. (عالم، ۱۳۹۵: ۲۴۵)

حاکمیت در جلوه سیاسی آن، با همان عدم محدودیت سازگاری دارد، اما در جلوه حقوقی آن، مقید به قانون اساسی است. در واقع، نهادهای قانون‌گذاری کشورها تنها حق دارند که در چارچوب قانون اساسی به وضع قانون بپردازند و نمی‌توانند فراتر از آن عمل کرده و به شکل خودخواهانه دستوراتی را وضع و اجرا نمایند. (بشیریه، ۱۳۹۶: ۲۳) استقرار حاکمیت قانون در یک جامعه پیامدهایی دارد که اصولاً می‌توان آن را در قالب دولت متعهد مورد ارزیابی قرار داد. (مالمیری، ۱۳۹۵: ۱۴۱) در عرصه سیاسی، رقابت منصفانه، تقسیم عادلانه قدرت و نظارت هرچند یکبار مردم بر مجریان و حکام از طریق تجدید انتخابات از جمله پیامدهای مهم سیاسی حاکمیت قانون می‌باشد.

از آنجایی که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حل و فصل اختلافات و ترویج و احترام به حقوق بشر یکی از رسالت‌های اصلی سازمان ملل متحد قلمداد شده، بدون شک استقرار ارتقای حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی از اهمیت شگرفی برخوردار است. در همین راستا دولت‌های عضو مجمع عمومی ملل متحد در سند نهایی اجلاس سران ۲۰۰۴، نیاز به تبعیت جهانی و اجرای حاکمیت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی را شناسایی کرده و تعهد خود به نظم بین‌المللی مبتنی بر حاکمیت قانون و حقوق بین‌الملل را که برای هم‌زیستی و همکاری میان دولت‌ها اساسی است تأیید کردند. (قطعنامه مجمع عمومی ۶۰، ۲۰۰۵/۱) در همین راستا

1. Superanus



مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۲ موضوع حاکمیت قانون را در دستور کار خود قرارداد و از سال ۲۰۰۶ حداقل سه قطعنامه درخصوص این موضوع به تصویب رسانیده است. شورای امنیت نیز در قطعنامه‌های شماره ۱۳۲۵، ۱۶۷۴، ۱۶۱۲ و ۱۸۲۰ بر اهمیت حاکمیت قانون در سطح داخلی و بین‌المللی تأکید داشته است. (حاجی زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵) لذا با استناد به این موارد نیز می‌توان گفت که تحریم‌های یک‌جانبه علیه دولت‌ها به نوعی نقض حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی محسوب می‌گردد.

به عقیده بسیاری از تحلیلگران همچون «دونالد اسنو»^۱ و «جان مک‌گین»^۲ در خصوص امنیت بین‌المللی، معادلات راهبردی جهانی با اصول، مبانی و قواعد پیشین، ضرورتاً حل و فصل نمی‌شوند. (Mc Ginn, 2014: 3) ایالات متحده آمریکا از طریق جنگ روانی (قدرت نرم)، جنگ نظامی (قدرت سخت) و یک‌جانبه‌گرایی به دنبال تفوق خود بر مدیریت جهانی است که در این بین برخی کشورها (همچون اتحادیه اروپا) از طریق اتحاد، سعی در خروج از زیر این چتر هژمونی آمریکا کرده‌اند که تا اندازه زیادی هم موفق بوده‌اند و همین تلاش اروپا نشان دهنده احترام به حاکمیت قانون و مقابله با سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بوده است. البته نکته بسیار مهم این است که اتحادیه اروپا به دنبال مقابله با آمریکا و یا قصد تبدیل به بدیل آمریکا شدن را ندارد و این مهم را می‌توان در احترام اکثر کشورهای اروپایی به جایگاه سازمان ملل متحد و قواعد و مقررات بین‌المللی؛ و به عبارتی رعایت حاکمیت قانون؛ به خوبی مشاهده کرد. به عقیده اکثر سیاستمداران اروپایی، یک‌جانبه‌گرایی آمریکا شاید در مرحله تأسیس و اجرا تأثیرگذار بوده باشد اما در مرحله استمرار با مشکل مواجه شده و خواهد شد. این مهم در جریان حمله آمریکا به عراق و دیگر اعمالی همچون ترور سردار سلیمانی نیز قابل ردیابی است چراکه با این اعمال، قواعد و مقررات بین‌المللی و جایگاه سازمان ملل متحد به حاشیه رانده شده و به همین دلیل همراهی جهانی را در بر نداشته و نخواهد داشت. (Gelpi, 2017: 7)

همچنین یک‌جانبه‌گرایی آمریکا را می‌توان در عملکرد این کشور در خصوص نحوه رأی‌دهی به قطعنامه‌های صادره از مجمع عمومی نیز مشاهده کرد. نمایندگان این کشور در بیش از ۶۰ درصد تصمیم‌گیری‌ها در مجمع عمومی، رأی منفی داده‌اند. (طاهرخانی، ۱۳۸۸: ۵۴۰)

1. Donald Sno
2. John Mc Ginn

۴- آمریکا و تهدید جهانی

اگر چه یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در عرصه اقتصادی و سیاسی قدمت بسیار بالایی دارد و قریب به یک‌صدسال پیش رییس جمهور جمهوری خواه آمریکا با اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه و افزایش ناگهانی عوارض گمرکی، اقتصاد جهان را به آستانه ویرانی کشاند، ولی در این اواخر و بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ، شدت زیادی گرفت و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و تجارت بین‌الملل و سایر کشورها، آماج تهدیدهای متعددی قرار گرفتند و در برخی موارد منجر به تحدید تعهدات بین‌المللی و نقض تعهدات منجر شده که به برخی از آنها در این مجال اندک اشاره می‌شود.

از آنجا که آمریکا در حال از دست دادن جایگاه خود به عنوان قوی‌ترین اقتصاد جهان است، لذا برای فرار از این مشکلات، جنگ تجاری به راه انداخته و فرافکنی و نقض تعهدات بین‌المللی را در پیش گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به اخطار آمریکا مبنی بر خروج از سازمان جهانی تجارت، اعلام خروج از پیمان نفتا، خروج از معاهده تجارت تسلیحات، اعمال تعرفه‌های سنگین بر محصولات چینی، سخت‌گیری در تردد مرزی مکزیک و اخیراً خروج از معاهده بین‌المللی آب وهوا (پاریس) و خروج از برجام اشاره کرد. البته ناگفته نماند، برخی از نقطه نظرات آقای ترامپ هم قابل تأمل بوده و برای مردم آن کشور و حتی جهان می‌تواند مفید باشد. یکی از این موارد، دقت در امتیازات برخی از کشورهای در حال توسعه؛ اما ثروتمند؛ بوده است به عقیده او، این کشورها تحت عنوان کشورهای در حال توسعه از مزایای سازمان جهانی تجارت سوء استفاده می‌کنند. (افضلی، ۱۳۹۷: ۴) از دیگر تهدیدات این کشور می‌توان به بهره‌گیری آمریکا از معاهدات تسلیحاتی (با توجیه تلاش برای تقویت توان دفاعی عراق)، تجهیز مخالفان حکومت مرکزی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های امنیتی خصوصی و کمک گرفتن از مساعدت‌های مالی آنان جهت نفوذ در ساختار نظامی-امنیتی عراق به منظور دستیابی به منافع خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نام برد. (درخشه و همکار، ۱۳۹۵: ۱) در خصوص موضوع تحریم، تاکنون بسیاری از کشورهای جهان در قالب ۲۳ قانون تحریمی از طرف ایالات متحده تحت تحریم قرار گرفته‌اند. تحریم افراد شاخص در بسیاری از کشورهای جهان، تحریم‌های تجاری، تحریم بانک مرکزی کشورها و بسیاری دیگر از روش‌های اعمال تحریم توسط آمریکا در طی دهه گذشته از طرف دولت این کشور علیه مردم جهان مورد



استفاده قرار گرفته است. بسیاری از تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا علیه کشورهای جهان با هدف تضعیف اقتصاد این کشورها و در نتیجه افزایش فقر و کاهش سطح رفاه عمومی؛ و البته به نفع مردم آمریکا؛ صورت گرفته است. در حال حاضر نزدیک به ۱۶ کشور در جهان از طرف آمریکا مورد تحریم قرار گرفته‌اند. با نگاه به سابقه بسیاری از این کشورها می‌توان به این نکته پی برد که بسیاری از آنها از جمله کشورهایی هستند که با سیاست‌های ایالات متحده در مناطق مختلف جهان مخالفت کرده بودند. (Economist, 2019:2)

البته ناگفته نماند پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، برخلاف انتظار خوش‌بینان، پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی به معنای ایجاد صلح منطقه‌ای نبوده است. یکی از دلایل این بی‌ثباتی و منازعه منطقه‌ای نیز حضور و مداخله مستقیم و غیرمستقیم ایالات متحده آمریکا بوده است. (قیاسوندی و همکار، ۱۳۹۶: ۲۰۵-۱۶۷)

۵- تحریم‌های یک جانبه علیه ایران

بررسی شکل‌گیری و روند روابط دو کشور ایران و آمریکا و نفوذ آمریکا در ایران قبل از انقلاب اسلامی، همه جانبه و دارای ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بوده و کاهش حسن ظن اولیه مردم ایران نسبت به آمریکا و مواضعش در ایران و نقش بستن تصویری از یک رژیم دنباله‌رو و وابسته در اذهان عمومی از پیامدهای حضور آمریکا در ایران بوده است که در نهایت نیز با وقوع انقلاب اسلامی این نفوذ به پایان رسید. (جعفری ولدانی و همکار، ۱۳۹۵: ۲۵-۱) و یکی از دلایل اختلافات آمریکا با ایران و اعمال تحریم علیه ایران نیز همین قطع ارتباط بوده است.

تحریم‌های آمریکا علیه ایران از حیث تنوع و گستردگی، یکی از وسیع‌ترین تحریم‌های تصویب شده یک جانبه علیه یک کشور است. به دلیل ارتباطات وسیع سیاسی و تجاری با کشورهای مختلف جهان، آمریکا بسیاری از تحریم‌های یک جانبه‌اش علیه ایران را توانسته عملاً به دیگر کشورها تسری دهد. برای مثال برخی از شرکت‌هایی که عمده سهام آن‌ها متعلق به شرکت‌ها یا سرمایه‌گذاران آمریکایی است هم عملاً مجبور به پیروی از تحریم‌های آمریکا شده‌اند. همچنین، بسیاری از کشورها و شرکت‌های خارجی نیز از بیم اقدامات تلافی‌جویانه آمریکا، از جمله محدودیت دسترسی آن‌ها به امکانات و تسهیلات مالی و تجاری آمریکایی،



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام



به درجات مختلف از این تحریم‌ها تبعیت کرده‌اند (چوپانی نجف آبادی، ۱۳۹۱: ۵)

ایران عمر درازی را با تحریم‌های مختلف سر کرده است، نمونه‌های اولین تحریم‌ها، به دهه ۳۰ بازمی‌گردد، زمانی که انگلستان در تلافی ملی کردن صنعت نفت، برای خریداران نفت ایران تعقیب قضایی در نظر گرفت و در نتیجه این سیاست، بسیاری از کشورها تمایلی به خرید نفت ایران از خود نشان نمی‌دادند. تحریم نفتی بریتانیا علیه ایران، نه تنها موجب ایجاد مشکلات در سطح بین‌المللی می‌شد بلکه در سطح داخلی نیز مردم ایران را با گرانی بی‌سابقه و تورم بیش از اندازه روبه‌رو می‌ساخت. در سراسر دوران بعد از انقلاب اسلامی، به غیر از بازه‌ی زمانی پیروزی انقلاب تا ۱۳ آبان ۵۸ آمریکایی‌ها تحریم‌های متعددی را به بهانه‌های مختلف علیه ایران اعمال کردند. می‌توان گفت در چهار دهه گذشته، «تحریم» هسته اصلی راهبرد آمریکا برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بوده است. (نامدار وندایی، ۱۳۹۵: ۵)

نخستین تحریم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پس از قضیه سفارت آغاز شد. به دنبال جریان گروگان‌گیری در سفارت آمریکا، آمریکا متقابلاً ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های دولت ایران را مصادره کرد. پس از آزادی گروگان‌ها توسط دولت ایران، این مصادره پایان نیافت و دارایی‌های ایران تا به امروز ضبط است. البته سناریوی تحریم بعد از اتمام گروگان‌گیری و به دستور ویژه کارتر به طور موقتی کنار گذاشته شد. از اینجا به خوبی روشن می‌شود که آمریکا در پشت طرح موضوعات ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی، مترصد ممانعت از تشکیل چنین هسته‌ای بوده است و نگرانی آنها از ازدیاد فشار قابل درک است. (بابی اس، ۱۳۹۰: ۳۴) آمریکا در نوامبر ۲۰۱۸ و پس از مقدمه سازی نتانیاهو نخست‌وزیر وقت اسرائیل، از برنامه جامع اقدام مشترک ۵+۱ (برجام) خارج شد و رسماً دور جدید تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. این تحریم‌ها در زمینه‌های انرژی، بانکی، حمل و نقل و صنایع کشتی سازی آغاز گردید.

۶- تحریم‌ها و نقض حقوق بشر

در ادبیات حقوق بشر، نزدیک‌ترین عبارتی که معنای حقیقی کلمه «یک‌جانبه‌گرایی» را توصیف می‌کند، عبارت «اقدامات قهری یک‌جانبه» است. این عبارت در بطن خود، هم

صفت منفی یک‌جانبه‌گرایی را نمایش می‌دهد و هم طبیعت خشن و مبتنی بر زور آن را عیان می‌سازد. این مفهوم در قطعنامه شماره ۱۵۲ صادره از سوی کنفرانس تجارت و توسعه (آنکتاد) به تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۸۳ ترکیب با معناتری تحت عنوان اقدامات قهری اقتصادی گرفت و به مرور زمان نه تنها حوزه اقتصاد، بلکه حوزه سیاست را نیز پوشش داد. بر همین مبنا بود که در قطعنامه شماره ۱۹۷ اجلاس ۳۸ مجمع عمومی (۱۹۸۳) صراحتاً این واقعیت مورد شناسایی قرار گرفت که برخی از دولت‌های توسعه یافته بیش از پیش در حال توسل به تهدید یا اجرای اقدامات قهری و محدودکننده با اهداف اعمال فشار سیاسی به دولت‌های در حال توسعه هستند. در همین قطعنامه اذعان شده که اقدامات قهری تأثیر منفی بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه داشته و فرآیند ایجاد صلح و فضای دوستی میان دولت‌ها را مخدوش می‌سازد. در متن این قطعنامه همچنین از دولت‌های توسعه یافته درخواست شده از هرگونه اقدام محدودکننده همچون محاصره، ممنوعیت یا تحریم علیه کشورهای در حال توسعه اجتناب ورزند. این قطعنامه تا سال ۱۹۹۵ با عنوان «اقدامات اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه» در مجمع عمومی ارائه شده و از آن پس با توجه بیشتر به تأثیرات منفی این‌گونه اقدامات بر حقوق بشر با عنوان «حقوق بشر و اقدامات قهری یک‌جانبه» در مجمع عمومی طرح شد. نکته مهم آن است که هم‌زمان با این تغییر رویکرد، در کمیسیون حقوق بشر نیز قطعنامه‌ای از سال ۱۹۹۴ با عنوان «حقوق بشر و اقدامات قهری یک‌جانبه» طرح شد که با ۲۳ رأی مثبت در برابر ۱۸ رأی منفی به تصویب رسید. در بند ۵ این قطعنامه، به صراحت تأکید شده بود که کالاهای اساسی، به‌ویژه غذا و دارو نمی‌بایست به‌عنوان ابزاری جهت اعمال فشار سیاسی به‌کار گرفته شود. در حقیقت از این تاریخ به بعد است که به موازات توجه به اثرات منفی اقتصادی تحریم‌های یک‌جانبه بر اقتصاد کشورهای هدف، اثرات حقوق بشری مضر و منفی تحریم بر مردم عادی نیز مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. (گلشن پژوه، ۱۳۹۸: ۲) این تحریم‌ها به‌خودی خود ناقض حقوق بشر است و می‌تواند برای مردم کشورها لطمات جبران ناپذیری داشته باشد. برخی از موارد حقوق بشری همچون حق حیات، حق بر سلامت، حق بر دسترسی به اطلاعات و کسب و کار که تحریم‌ها آن‌ها را نقض می‌کنند در ذیل مختصراً آورده شده است.

طبق منشور سازمان ملل متحد، از دولت‌ها خواسته شده که در راستای احترام به حقوق



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۶۲

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸

بشر شهروندان اهتمام لازم را داشته باشند، مواردی از قبیل بالا بردن سطح زندگی، ایجاد اشتغال، گسترش امور اقتصادی و اجتماعی، بهداشت عمومی و احترام و رعایت حقوق بشر، باید از ناحیه دولت‌ها مورد توجه قرار گیرد. (زمانی و زنگنه، ۱۳۹۲: ۳۷) شورای امنیت هم وفق ماده ۲۴ منشور، باید در تحقق اهداف منشور گام بردارد. در این مسیر اسناد الزام‌آوری همچون، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک و کنوانسیون‌های بشردوستانه ژنو هم باید مراعات گردد. قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، اگرچه اکثراً الزامی نیستند ولی به دلیل اعلام نظر اکثر کشورهای جهان دارای ارزش قابل توجهی است. از آنجایی که بخش اعظم منابع درآمدی اقتصاد ایران را فروش نفت تشکیل می‌دهد و در حدود ۸۰ درصد هزینه‌های کشور از طریق صادرات نفت بدست می‌آید. (سیدمشهدی، ۱۳۹۰: ۱۵) می‌توان اثرات مخرب تحریم‌ها را پیش‌بینی کرد. در این میان بیماران و به‌ویژه بیماران خاص که نیاز فوری به داروهای وارداتی دارند بیشترین ضربه را متحمل می‌شوند.

همچنین در ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر شخصی این حق را دارد که خواهان نظم‌ی باشد که حقوق و آزادی‌های او را تضمین کند و بتواند به آن جامه عمل بپوشاند. انواع حقوق افراد منجمله حقوق اقتصادی و توسعه اقتصادی که باید تلاشی در راستای تحقق آن صورت گیرد و موانع احتمالی آن برداشته شود. (Gordon, 2010: 15) محروم کردن مردم یک کشور از آموزش به هر بهانه‌ای از نظر حقوق بین‌الملل مشروع نیست. قطعنامه ۱۷۳۷ شهروندان ایرانی را در مراکز آموزش مرتبط با امور هسته‌ای منع کرده و به مراکز آموزشی دستور داده‌اند که با این گونه دانش‌آموخته‌گان به سختی برخورد کرده و یا همکاری نمایند هرچند که این مسئله مغایر با روح حق بر آموزش می‌باشد. (زمانی و زنگنه، ۱۳۹۲: ۷)

توسعه واقعی و پایدار مستلزم وجود زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مناسب است و تحریم عامل بازدارنده و سم مهلك برای این عرصه است. فرض این است که دولت‌ها، درآمد‌ها و امکانات محدود و هدف و کار ویژه‌های متعدد دارند. یکی از کارویژه‌های مطلوب دولت‌ها، اختصاص مناسب سرمایه‌ها و امکانات کشور بین حوزه‌های مختلف و مورد نیاز جامعه و از جمله در بخش توسعه است. تحریم موجب تضعیف هدف‌های توسعه‌ای کشور

و در نتیجه، کاهش رفاه مردم می‌شود که ممکن است با واکنش مردم روبه‌رو شده و امنیت ملی کشور از درون به خطر افتد. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۸)

سایر حقوق دیگری که در زمره حقوق بشر می‌باشد، حق دسترسی به اطلاعات است که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تأکید می‌نماید: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم واضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظه مرزی آزاد باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۸) آمریکا با برخورداری از تکنولوژی ارتباطی و مخابراتی، برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای جمهوری اسلامی ایران را قطع نموده و به حق بر دانستن و آموزش احترام نمی‌گذارد.

همچنین، تمامی اقداماتی که به هر نحوی باعث محروم کردن افراد از حق مالکیت خود است از نظر مجامع بین‌المللی محکوم شده است. محرومیت استفاده از اموال به معنای بازداشتن استفاده کامل از دارایی‌های شخصی می‌باشد. محرومیت هر فردی فقط از راه مصادره رسمی نیست بلکه می‌تواند بطور غیر رسمی مثل بازداشتن از دادن مجوز بهره‌برداری و یا وضع مالیات و هرگونه اقدامات فیزیکی و غیرفیزیکی که به محرومیت فرد از استفاده مایملک خود منجر می‌شود». (Jayawickrama, 2002, 123)

تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه شهروندان جمهوری اسلامی و مصادره و یا مسدود کردن دارایی‌ها و حساب‌های بانکی برخی افراد؛ به ادعای آنها مرتبط با انرژی هسته‌ای؛ نقض آشکار حقوق بشر مبنی بر احترام گذاشتن به مالکیت افراد است. مجازات نمودن شرکت‌های مرتبط با این افراد هم نقض دیگری است که آمریکا شدیداً آن‌را دنبال می‌کند. در هر صورت تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی به صورت فراسرزمینی نقض حاکمیت کشورهای دیگر محسوب می‌شود.

۷- تحریم‌های یک‌جانبه و نقض قطعنامه‌های سازمان ملل متحد:

قطعنامه شماره ۲۶۲۵ سازمان ملل که در سال ۱۹۷۰ به تصویب رسید، به موضوع عدم مداخله کشورها در امور یکدیگر اشاره دارد. بر این اساس، کشورهای عضو نمی‌توانند از ابزار

فشار اقتصادی، سیاسی یا هرگونه فشار دیگری برای مجبور کردن کشور دیگر برای تبعیت از حاکمیت کشور مقابل استفاده نمایند. در سال ۱۹۹۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از دولت‌ها قویاً خواست که فشارهای یک‌جانبه را در حق یکدیگر ملغی نمایند. همچنین در قطعنامه دیگری (A/RES/51/22) در سال ۱۹۹۶، تحت عنوان «حذف تدابیر فشار اقتصادی به عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی» خواستار حذف اینگونه اعمال گردید. بند ۳ این قطعنامه از همه دولت‌ها درخواست نموده که تدابیر اقتصادی یک‌جانبه با ویژگی فراسرزمینی را به رسمیت نشناسند. لازم به ذکر است که اگر چه اینگونه قطعنامه‌ها عموماً الزام‌آور نیستند، ولی از آنجایی که کشورهای زیادی آن‌را به رسمیت شناخته‌اند، تخطی از آن به نوعی بی‌احترامی به آنها تلقی می‌شود.

۸- ترور فرمانده سپاه قدس توسط آمریکا

داعش خشن‌ترین تشکیلات تروریستی در بین همه گروه‌های مسلح برجسته در منطقه خاورمیانه که پس از حمله آمریکا به عراق، شاخه القاعده در عراق پایه گذار داعش شد. پس از آنکه ناآرامی‌های سوریه شدت گرفت، داعش از عراق به سوریه هم وارد شد. (سنایی و همکار، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۴۵) داعش به عنوان مظهر تروریسم پسامدرن در عصر جهانی شدن در تلاش برای هویت‌یابی خاص خود در قالب بنیادگرایی اسلامی بود. به عقیده برخی محققین، عوامل هویتی و ضدناسیونالیستی به عنوان عناصر مهم مورد تأکید نظریه پسابین‌الملل در شکل‌گیری داعش نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. در واقع، عناصر این گروه توانسته‌اند از خود تعریف هویتی جدیدی را ارائه و براساس همین تعریف جدید، «خود» و «دیگری»، «دوست» و «دشمن» را باز تعریف کنند. هویت گروه مذکور براساس ضدیت با مؤلفه‌های مدرنیته (از جمله سکولاریسم، دموکراسی و لیبرالیسم و علم‌گرایی) و فرهنگ غالب غربی بازتعریف شد و از طرف دیگر، گروه داعش یک گروه ضدناسیونالیستی بود که نظم و ستفالیایی دولت محور را به چالش کشید به طوری که از نظر رهبران این گروه ملی‌گرایی در تقابل آشکار با امت اسلامی قلمداد می‌شد و به همین دلیل، این گروه توانست از ملیت‌های مختلف و از بیشتر کشورهای جهان اقدام به جذب نیرو کند. این عوامل باعث تبدیل گروه داعش در عرصه جهانی به یک کنشگر فراملی گرا شد. (عباس زاده و همکار، ۱۳۹۸: ۱)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۶۴

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸



همچنین ظهور داعش تبعات مختلفی در خاورمیانه و سپس در اغلب نقاط دنیا به همراه داشت. کشورهای گوناگونی نیز با پدیده داعش درگیر شده و به ناچار در مقابل آن به تدابیر مختلفی دست زدند. در این میان جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم با داعش در تقابل قرار گرفت زیرا داعش علاوه بر اینکه تمامیت ارضی و رژیم‌های سیاسی متحدان منطقه‌ای ایران را به چالش کشید؛ تهدید امنیتی و ایدئولوژیکی برای ایران نیز به شمار می‌رفت. (سنایی و همکار، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۴۵) از جمله این تهدیدات می‌توان به رادیکال شدن فضای منطقه از طریق شکاف بین شیعه- سنی، تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی، برهم خوردن موازنه قوا در منطقه به نفع عربستان، ترکیه و اسرائیل و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا در منطقه خاورمیانه اشاره کرد. لذا سیاست خارجی ایران تحت تأثیر ظهور داعش ناچار به اعمال راهکارهایی برای مقابله با آن شد. (ذوالفقاری و همکار، ۱۳۹۶: ۱۹۵-۱۶۹) به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران در چندین مرحله اقدامات امنیتی خود را به پیش برد. در مرحله اول اقدام به ارسال کمک به مردم عراق قبل از ارسال کمک هر کشوری، نمود. مرحله دوم شناخت کشورهای همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران مثل روسیه در مبارزه با داعش بود. مرحله سوم برای داشتن قدرت در مذاکرات برای پیشبرد اهداف و مواضع خود و براساس نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر کمک‌های تبلیغاتی اقدام به ارسال نیروی سپاه قدس به طور مستقیم به عراق و سوریه کرد. جمهوری اسلامی ایران این مسئله را در سیاست‌های اعلامی خود نیز بیان نمود. مسئله‌ای که بخاطر خشونت‌های شدید داعش، از سیاست پنهانی به سیاست‌های افتخاری برای مردم و مسئولان تبدیل شده است. (سنایی و همکار، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۴۵)

در مدت حضور داعش در عراق، نیروهای ایران و آمریکا چندین عملیات نسبتاً موازی و بعضاً مشترکی را در مقابله با داعش انجام دادند که این عملیات، خود باعث نگرانی آمریکا برای گسترش حوزه عملیاتی ایران در خاورمیانه و به خصوص عراق و سوریه شد به نحوی که بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند اقدامات مشترک ایران و روسیه مانع از حمله نظامی آمریکا به سوریه شده است چراکه تا قبل از آن آمریکایی‌ها برای حمله به سوریه لحظه شماری می‌کردند. لذا حضور ایران در عراق مشکلاتی را برای آمریکا به وجود آورده بود و به همین دلیل این کشور به دنبال تضعیف حضور ایران در عراق و منطقه بود و این تفکر باعث چاره



اندیشی جهت هدف قرار دادن مغز متفکر این میدان؛ یعنی سردار سلیمانی؛ گردید.

بامداد جمعه ۳ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی) چندین راکت به نزدیکی فرودگاه بغداد شلیک شد که هدف آن خودروهای حامل سردار قاسم سلیمانی و برخی از اعضای ارشد حشد شعبی بود. در این حمله هوایی آمریکا علاوه بر حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس معاون حشد الشعبی نیز به شهادت رسیدند. در مورد مباحث حقوقی ترور سردار قاسم سلیمانی موضوعات مختلفی وجود دارد که قابل بحث و بررسی هستند. جهت بررسی بیشتر ابعاد حقوقی این واقعه سؤالات زیر قابل طرح است:

- از منظر حقوق توسل به زور، آیا ایالات متحده حق حمله به کاروان حامل سردار سلیمانی در حوالی فرودگاه بغداد را داشته و آیا تعیین یک گروه یا اشخاص معین به عنوان یک گروه یا شخص تروریست می‌تواند امکان توسل به نیروی مهلک را برای مقابله با آن به کار بیندازد همچنین؛ آیا اقدام ایالات متحده مغایر قطعنامه تعریف تجاوز مصوب ۱۹۷۴ و همچنین، جرم تجاوز مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تلقی می‌شود؟

لازم به ذکر است که قواعد حقوقی حاکم بر «کشتن» در حقوق بین‌الملل حسب ظرف زمانی متفاوت است. به دیگر سخن، حقوق بین‌الملل در زمان جنگ، کشتن فرماندهان و سربازان دشمن را در چارچوبی قانونی و در زمان مخاصمه مجاز می‌داند. درحالی که در دوران صلح به هیچ‌وجه چنین مجوزی وجود ندارد. اما از نظر حقوقی هیچ «درگیری مسلحانه‌ای» در زمان حمله آمریکا بین این کشور و ایران وجود نداشته است. همین وضعیت میان آمریکا و دولت عراق صادق است. بنابراین هدف قراردادن فرماندهان نظامی ایران و عراق را به هیچ‌وجه نمی‌توان به عنوان «هدف و اقدام مشروع نظامی» توصیف و توجیه کرد. (عبداللهی، ۱۳۹۸) از طرفی دیگر آمریکا به دفاع مشروع استناد کرده که به موجب ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، دفاع مشروع باید در پاسخ به «حمله‌ای مسلحانه» باشد که در قضیه مورد بحث وجود ندارد. و استناد به دکترین دفاع پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه نیز قابل قبول جامعه بین‌المللی نبوده و نیست.

لازم به یادآوری است که دکترین مجعول و خلاف حقوق بین‌الملل؛ یعنی «جنگ علیه تروریسم»، بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه برج‌های دوقلوی آمریکا از سوی دولت بوش اعلام شد. در آن زمان کنگره آمریکا با «تصویب قانون اجازه توسل به زور نظامی علیه

تروریست‌ها (AUMF)» به «رئیس‌جمهور آمریکا مجوز توسل به زور ضروری و متناسب علیه ملت‌ها، سازمان‌ها یا اشخاصی که او احراز می‌کند حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را برنامه‌ریزی، تجویز، ارتکاب یا مساعدت کرده‌اند» اعطا کرد. (عبداللهی، ۱۳۹۸) از نظر توصیف حمله سوم ژانویه (۲۰۲۰) علیه ایران، بی‌تردید باید حمله را یک «توسل به زور» مغایر منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی دانست. بند ۲ ماده ۴ منشور به صراحت هرگونه توسل به زور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و مغایر با اهداف منشور را ممنوع کرده است. این توسل به زور نه تنها علیه حاکمیت عراق است بلکه حاکمیت ایران را نیز هدف قرار داده است

آمریکا در غیاب وجود حمله مسلحانه‌ای از سوی ایران یا نیروهای مردمی عراق نمی‌توانسته به حق دفاع مشروع در قالب موافقتنامه استناد کند و ثانیاً این موافقتنامه به هیچ‌وجه اجازه توسل به زور علیه نیروهای مسلح عراق یا دوستان عراق را نمی‌دهد. اینکه اقدام ایالات متحد آمریکا در به قتل رساندن سردار اسلام حاج قاسم سلیمانی و همراهان ایشان یک عمل متخلفانه بین‌المللی و مغایر حقوق بین‌الملل توسل به زور، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر است تردیدی وجود ندارد. اما توصیف این اقدام به عنوان تجاوز مسلحانه و طرح مسوولیت کیفری فردی در قالب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قابل تأمل است. در هر حال این امر مستلزم تطبیق عناصر مادی و معنوی جنایت تجاوز با عمل منتسب به دونالد ترامپ به عنوان متهم اصلی این پرونده است. با توجه به قطعنامه تعریف تجاوز (قطعنامه ۳۳۱۴) که در سال ۱۹۷۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و در قالب حقوق بین‌الملل عرفی و به ویژه رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری تثبیت شده است اقدام مزبور تجاوز مسلحانه به کشورهای عراق یا ایران قلمداد نمی‌گردد. حتی به فرض تلقی آن به عنوان تجاوز نظامی، حق دفاع مشروع عراق و ایران فاقد ارکان ضرورت و فوریت است و به علت عدم اقتران زمانی با حمله موصوف، عمل تلافی جویانه نظامی تلقی شده که طبق بند ۴ ماده ۲ منشور و حقوق بین‌الملل عرفی ممنوع است هرچند که شش روز پس از این حمله، ایران نیز اهداف آمریکایی مستقر در عراق را مورد حمله موشکی قرار داد. تفسیر موسع از دفاع مشروع به رغم آنکه در رویه شورای امنیت به ویژه در قالب مبارزه با تروریسم پذیرفته شده است ولی هیچ‌گاه مورد تأیید نهادهای قضایی بین‌المللی

به ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری نبوده است. دیوان همواره از استثنای بر قاعده منع توسل به زور یعنی دفاع مشروع تفسیری مضیق به عمل آورده است. بدیهی است که استثنای بر قاعده باید همواره مضیق تفسیر شود. دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن آنکه از حق اقدام متقابل (غیرنظامی) علیه دولت آمریکا برخوردار است می‌تواند قضیه را به مراجع بین‌المللی به ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر ارجاع دهد. در صورتی که دولت عراق خروج نیروهای آمریکا را از عراق تقاضا نماید (که این خواسته نیز به تصویب مجلس عراق رسیده است)، و آمریکا از این امر امتناع نماید ادامه حضور نیروهایش در عراق می‌تواند عملی تجاوزکارانه محسوب شود و در این صورت دولت عراق از حق دفاع مشروع برخوردار است. بدیهی است که در این صورت به درخواست دولت عراق، دولت ایران می‌تواند در قالب حق دفاع مشروع جمعی موضوع ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد به یاری عراق بشتابد. از سوی دیگر هیچ‌یک از دولت‌های درگیر در قضیه، عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیست و با توجه به موقعیت آمریکا در شورای امنیت امکان ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی منتفی است. نتیجه اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران باید از هرگونه اقدام شتاب‌زده‌ای که تبعات پیش‌بینی نشده‌ای دارد جداً پرهیزد. به قول رسول مکرم اسلام (ص): اذا هممت بامر، فتدبر عاقبت. هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی، حتماً در مورد نتیجه و فرجام آن اندیشه کن. (زمانی، ۱۳۹۸)

۹- دستاورد

بر اساس منشور ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد، اما ایالات متحده آمریکا بطور یک‌جانبه تحریم‌های اقتصادی و سیاسی را علیه ایران تحمیل نموده است ریشه این برخوردهای خصمانه به شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر می‌گردد. بنابراین از اول خرداد سال ۱۳۵۹ تاکنون مورد تحریم این کشور واقع شده است. این تحریم‌ها در دوره کارتر و ریگان، بوش پدر و کلینتون و بعد از ۱۱ سپتامبر، شتاب بیشتری گرفته است. اقدامات یک‌جانبه آمریکا در تحریم ایران، ناقض حقوق متعددی از قبیل، حق حیات، حق آموزش، حق سلامت و بهداشت و حق توسعه، حق کسب اطلاعات، حق آزادی کسب‌وکار گردیده، مضافاً اینکه اصولاً تحریم‌های یک‌جانبه مخالف



مفاد قطعنامه های سازمان ملل متحد نیز می باشد. همچنین این تحریم های یک جانبه آمریکا در تناقض آشکار با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، هم گرایی اجتماعی ملل، محترم شمردن حق تعیین آزادانه سرنوشت و مخالفت با توسل به زور در روابط بین المللی است و برقراری همکاری های بین المللی در شرایط عادلانه و منصفانه براساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با چالش های جدی مواجه می کند و مانع تحقق مقررات سازمان جهانی تجارت است که پیشتاز گسترش و توسعه نظام تجارت آزاد مبتنی بر چندجانبه گرایی محسوب می گردد. رفتار سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا از ابتدای پیدایش تاکنون همواره به یک جانبه گرایی و نقض حاکمیت قانون در سطح بین المللی تمایل فزاینده داشته است. ترامپ از زمان روی کار آمدن خود تهدید و مواضع مختلفی علیه سازمان جهانی تجارت، اتحادیه اروپا، نفتا، معاهده تجارت تسلیحات و چندین کشور و معاهده دیگر اتخاذ کرده که همگی در چارچوب رویکرد یک جانبه و عدم احترام به حاکمیت قانون بوده است. ریشه این رویکرد خطرناک، فقط نفع طلبی تجاری کاسب کارانه نیست، بلکه نگاه خودپرستانه ای است که خود را برتر از دیگران می شمارد و حق تعیین سرنوشت برای دیگران قائل است. لذا با استناد به این موارد می توان گفت که تحریم های یک جانبه علیه دولت ها به نوعی نقض حاکمیت قانون در سطح بین المللی محسوب می گردد و ایالات متحده آمریکا با یک جانبه گرایی سعی بر پیشتازی در نقض تعهدات بین المللی و تهدید صلح و امنیت بین المللی را دارد. نقطه اوج این یک جانبه گرایی آمریکا و نقض حاکمیت قانون، ترور سردار سلیمانی؛ فرمانده سپاه قدس ایران است؛ که از طرف تمام کشورهای دنیا محکوم گردید.

منابع و مأخذ:

الف) کتاب‌ها:

- بابی اس. سعید. (۱۳۹۰). *هراس بنیادین*. ترجمه جمشیدیه‌ها و عنبری. تهران: دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۶). *آموزش دانش سیاسی*، چ ۳، تهران: نشر نگاه معاصر.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۵). *بنیادهای علم سیاست*، چ ۱۴، تهران: نشر نی.
- لاگین، مارتین (۱۳۹۳). *مبانی حقوق عمومی*، ترجمه: محمد راسخ، چ ۱، تهران: نشر نی.
- المامیری، احمد مرکز (۱۳۹۵). *حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی و برداشتها)*، چ ۲، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

ب) مقاله‌ها:

- افضلی، توحید. (۱۳۹۷) *یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده و تأثیر آن در افول هژمونی آمریکا*، اندیشکده تبیین، ۱۱ اردیبهشت (<http://tabyincenter.ir>).
- جعفری ولدانی اصغر، پیرهادی محسن (۱۳۹۵). *ابعاد نفوذ آمریکا در ایران (۱۹۵۳-۱۹۷۹) و پیامدهای آن در شکل‌گیری روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی*. *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام* - ۶ (۲).
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۳) «دولت رانتیر و بی‌ثباتی در ایران». *فرهنگ‌اندیشه*، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز.
- درخشه، جلال و امیر رضا جعفری هرنودی، ۱۳۹۵، *شیوه‌های نفوذ نظامی-امنیتی آمریکا در عراق*، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*.
- ذوالفقاری مهدی، عمرانی ابودر (۱۳۹۶). *تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام* - ۷ (۲).
- زمانی، سید قاسم و زنگنه، جعفر. (۱۳۹۲). *تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی*. *فصلنامه راهبرد، تابستان*. شماره ۶۷.
- عباس زاده، مهدی؛ نخعی زرنودی، نصرالله (۱۳۹۸)، *بررسی شکل‌گیری داعش براساس نظریه پسابین‌الملل فرگوسن و منزیاخ*، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، دوره ۹، شماره ۳.
- سنایی، اردشیر؛ کاویان‌پور، مونا (۱۳۹۵)، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۹، شماره ۳۴.
- سیدمشهدی، پردیس السادات و قلم باز، فرهاد و اسفندیاری، علی اصغر. (۱۳۹۰). *اهمیت صنعت نفت در ایجاد تولید و اشتغال در اقتصاد ایران و تأثیر آن بر سایر فعالیتهای اقتصادی*. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*. سال اول، شماره ۲.
- طاهر خانی، ستاره (۱۳۸۸)، *تروریسم و گذار آمریکا از یک‌جانبه‌گرایی به چند جانبه‌گرایی از سازمان ملل*، *سیاست خارجی*، سال بیست و سوم شماره ۲.
- قیاسوندی فاطمه، ترکاشوند جلال (۱۳۹۶). *آمریکا، جنگ‌های نیابتی و امنیت خاورمیانه*. *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام* - ۷ (۴).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۷۰

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸



- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۸)، مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا در یک‌جانبه‌گرایی و نقض تعهدات حقوق بشری، مجله ایران.
- مافی، همایون. (۱۳۹۷). تاملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره یک.
- موسوی، سید فضل الله، جوکار، فضل الله، محمدی عمران. (۱۳۹۳) تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، تناقض در گفتار و کردار و سیاست زدگی حقوق بشر، فصلنامه حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۴.
- نامدار وندایی سالار. (۱۳۹۷). طرح تحریم‌های مجدد کنگره آمریکا علیه سپاه پاسداران؛ پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، اندیشکده راهبردی تبیین، (<http://tabyincenter.ir>) ۶/۲۴/۱۳۹۷.

ج) پایان نامه

- چوپانی نجف آبادی، حمید. (۱۳۹۱). کارکرد تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران در سیاست مهار ایران. تهران: پایان نامه دانشکده روابط بین‌الملل.

د) منابع گروه‌های علمی

- عبدالحی، محسن (۱۳۹۸)، ترور سردار سلیمانی و حقوق بین‌الملل، کانال تلگرامی «مسائل روز حقوق بین‌الملل»
- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۸)، مباحث حقوقی ترور سردار سلیمانی، موسسه حقوق بین‌الملل پارس.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۸)، عمل متخلفانه آمریکا در ترور سردار سلیمانی، کانال تلگرامی «مسائل روز حقوق بین‌الملل»

د) منابع غیرفارسی

- Gordon, Joy, (2010), Invisible War: The United States and the Iraq Sanctions, Harvard, Harvard University Press.
- Gelpi, P&C, (2017), Choosing your battles: American civil –military relations & The use of force.
- Jayawickrama, Nihal, (2002), The Judicial Application of Human Rights Law; National, Regional and International Jurisprudence, Cambridge, Cambridge University Press.
- Mc Ginn, John & et.al. (2014) “A framework for strategy development”.

DOI: 10.21859/priw-09.0403

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:
 رحمانی، شهرام؛ جعفری، افشین (۱۳۹۸)، «تقابل یک‌جانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی: تحریم‌های آمریکا علیه ایران»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۴، زمستان ۹۸، صص ۷۱-۵۳.